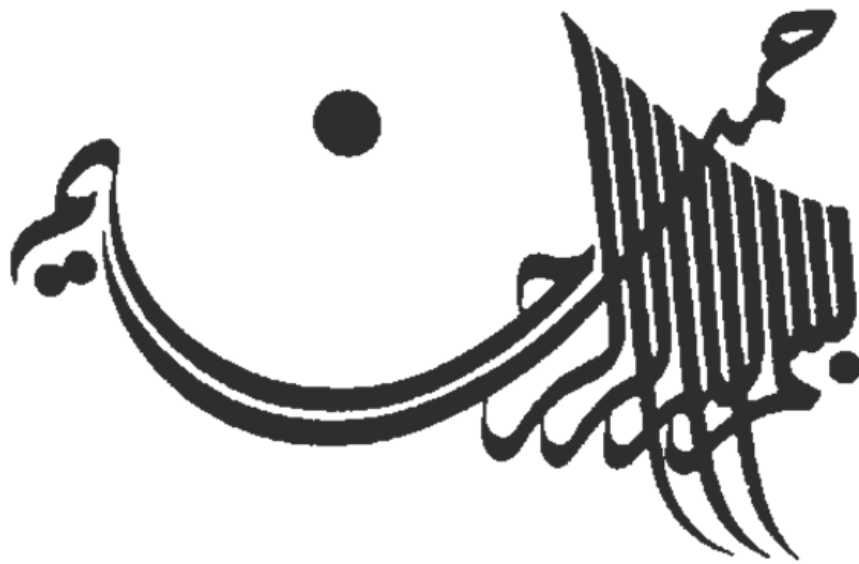


پیش شرطهای میان بر زدن برای کشورهای در حال توسعه با
تأکید بر نقش سرمایه گذاری مسقیم خارجی

سید مرتضی موسویان

پیش شرطهای میان بر زدن برای کشورهای در حال توسعه با تأکید بر نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی



صفحه	فهرست	ردیف
4	چکیده	1
5	کلید واژگان	2
6	مقدمه	3
9	بیان مسئله و ضرورت تحقیق	4
9	اهداف تحقیق	5
10	سئوال تحقیق	6
10	فرضیه تحقیق	7
10	توضیح روش تحقیق	8
10	ادبیات تحقیق	9
12	شرکتهای چندملیتی و نقش آنها در مبادلات اقتصادی جهانی	10
13	سرمایه گذاری مستقیم خارجی و نقش آن در توسعه تکنولوژی	11
17	بررسی جریان سرمایه خارجی به داخل کشور	12
20	استنتاج و پیشنهادات	13
22	منابع و مآخذ	14

چکیده

بررسی تجارب کشورهای دیگر در راه رسیدن به مرزهای توسعه، توجه به آمارهای موجود، تعریف شاخص‌های استاندارد، تلاش برای رسیدن به استانداردهای تعریف شده، کنترل و ارزیابی مستمر و تبیین چگونگی حرکت در جهت رسیدن به موقعیت مطلوب از الزامات گریز ناپذیر برای گام برداشتن در مسیر توسعه می باشد. عدم تقلید از الگوهای کشورهای دیگر بعنوان راه نقشه ی توسعه ی اقتصادی کشور از سوی تمامی صاحب نظران پذیرفته است. لذا باید به دنبال راه کارهایی بود که مسیر را کوتاه تر کرده و راه را هموار تر نماید. در این راستا آقای سانجای لال¹ از محققان فقید سازمان UNIDO² پیش شرط های میان بر زدن برای کشورهای در حال توسعه را در پنج حوزه ی کلی تعریف می کند:

1. دانش { Knowledge }
2. در های باز { Inward Openness }
3. سیستم اقتصادی { Financial System }
4. شیوه ی حکومت { Governance }
5. سیستم سیاسی { Political System }

در مقاله حاضر ابتدا و به اجمال از پیش شرط های لازم صحبت خواهد شد و سپس با جزئیات بیشتر در خصوص FDI³ و نقش آن در توسعه بحث می شود و در انتها، راه کارهایی برای پررنگ کردن و بکار گیری سرمایه گذاری مستقیم خارجی ارائه می گردد. روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه ای بوده و امید است پیشنهادهای مطرح شده کارساز باشد.

¹ آقای سانجای لال (Snajaya Lal) از محققان سازمان UNIDO بود که ژوئن سال 2005 از دنیا رفت. ایشان تحقیقات گسترده ای در زمینه کشورهای در حال توسعه انجام داده است.

² United Nations Industrial Development Organization
³ Foreign Direct Investment

پیش شرطهای میان بر زدن برای کشورهای در حال توسعه با تأکید بر نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی

کلید واژگان

راههای میان بر، توسعه اقتصادی، کشورهای در حال توسعه، سرمایه
گذاری مستقیم خارجی

مقدمه

پیش شرط‌های میان بر زدن برای کشورهای در حال توسعه را سانجای لال { Sanjaya Lall } در پنج فاکتور کلی مورد بحث قرار داده است :

1. فاکتور دانش بومی شده { Knowledge } : یکی از مهمترین فاکتورهای میان

بر برای کشورهای در حال توسعه می باشد. منظور از دانش، عواملی چون خلاقیت، نشر توانایی بکارگیری دانش، توسعه و نو آوری، میزان انتشارات علمی، زیر ساخت های ICT و همچنین توانایی و مدیریت کنترل کیفیت و بالاخره تحصیلات عالی در آن کشورها می باشد. در همین گروه (دانش) عامل تعیین کننده دیگر مالکیت معنوی { Property Rights } می باشد. مالکیت معنوی که از جمله با اهمیت ترین پارامترها برای ایجاد انگیزه لازم برای مخترعان، مبتکران، نوآوران و محققان می باشد، تضمین کننده حمایت از بخش تحقیق و توسعه است.

راههای ساده برای نیل به تحصیلات عالی و تحصیلات تکمیلی، آموزشهای فنی - حرفه ای گسترده، در دسترس بودن لوازم تحقیق و وجود آموزشهای تخصصی مورد نیاز صنعت در حال توسعه، از لوازم و شرایط دیگر دانش بومی شده، بشمار می روند. به این ضروریات باید وجود استانداردها و ایفای نقش تنظیم کنندگی { Regulatory } توسط دولت را نیز اضافه نمائیم. آنچه بسیار اهمیت دارد آماده کردن بستر لازم برای میان بر می باشد. آماده کردن بستر شامل ایجاد هماهنگی میان بخش تحقیقات، آموزش، صنعت و بازار است. دانش بومی شده به عنوان موتور محرک توسعه عمل می کند. باید با ابزارهای خاص نسبت به توزیع دانش انباشته در یک بخش اقدام نمود. یاد گیری امری تجمعی است و چنانچه راههایی برای توزیع آن در بخش دولت اندیشیده نشود میل به این توزیع در سطح بنگاه وجود ندارد.

2. فاکتور دوم یعنی درهای باز { Inward Openness } - (از لحاظ اقتصادی)

از اهمیت بالایی برخوردار است. تجارب کشورهای دیگر نشان از سهم بزرگ

سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) در رسیدن به مرز توسعه یافتگی دارد. در راستای تسهیل در این امر، قوانین و مقررات ساده، دارای ثبات، قابل فهم و دارای تفسیری واحد در نزد دست اندرکاران، نقش محوری و اساسی برای افزایش سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در توسعه کشورهای در حال توسعه را بازی می کند. در یک مفهوم کلی می توان این پارامتر را باز بودن در بها به سمت داخل تعریف کرد. بسیاری از کشورها به کمپانی های چند ملیتی (TNCs)⁴ بطور گسترده تکیه کرده اند و برخی دیگر از کشورها راه حمایت از صنایع داخلی را در پیش گرفته اند. گروه دوم اخذ لیسانس از کشورهای توسعه یافته و تولید در داخل با سرمایه های ملی را صلاح کشور خود دیده اند. گروه دیگری از کشورها نیز نیاز به نیروهای ماهر و متخصص را از بیرون کشور تأمین کرده و سعی در آموزش نیروهای داخلی در کنار نیروهای ماهر خارجی دارند و بالاخره راه حل دیگری که بعنوان آخرین راه می توان ذکر کرد، مشارکت با کشورهای دیگر در امر شبکه های بین المللی است که موجبات بالا رفتن دانش عمومی و تخصصی مورد نیاز برای گام برداشتن در راه توسعه محسوب می گردد.

3. فاکتور سوم وجود یک سیستم مالی (Financial System) است که دارای خصوصیات ویژه ای چون ریسک پائین در امر سرمایه گذاری و دسترسی ساده به اعتبارات مالی (بانکی) باشد. این سیستم مالی در ارتباط با وضعیت کل بازار و همچنین بازار سهام در این کشورها می باشد. (سیستم مالی بدون تبعیض) تقریباً 60% از تفاوت میان کشورهای صنعتی و کشورهای شمال آفریقا در تفاوت در میزان درآمد ملی آنها است. پائین بودن سطح GNP در این کشورها در بقیه زمینه ها نیز تأثیرات شگرفی به جا می گذارد. بعنوان مثال سطح دانش بومی موجود در این کشورها ارتباط مستقیم با سطح درآمد ملی در این کشورها دارد.

4. فاکتور چهارم، قوانین و مقررات داخلی {Governance} است، هرچه قوانین ساده تر و پایدارتر، قابل فهم تر و لازم الاجراتر باشند موفقیت کشور در حال توسعه در انجام عملیات میان بر مؤثر تر خواهد بود.

5. فاکتور پنجم، شرایط، شکل حکومت و سیستم سیاسی {Governance} کشور در حال توسعه می باشد. بطوری که این کشورها باید دارای یک نظام سیاسی پایدار باشند. در این بخش جغرافیا و تاریخ کشورهای در حال توسعه نیز مد نظر می باشند. بطوریکه با دقت نظر در مورد این پارامترها می توان میزان پیامد میان بر زدن را بصورت تجربی در یافت.

در این بین و از میان فاکتور های مطرح شده در این مقاله تنها به سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) خواهیم پرداخت، فاکتوری که نقش قابل ملاحظه ای در فرآیند توسعه کشورهای دریافت کننده آن بازی می کند. توسعه فن آوری به عنوان یکی از اساسی ترین شرایط دستیابی به توسعه پایدار و بلندمدت کشورها، در تحولات جهانی از اهمیت اساسی برخوردار است و سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان ابزاری بسیار مهم برای رسیدن به توسعه فن آوری در کشورهای مختلف (به خصوص کشورهای در حال توسعه) مطرح می باشد. در این مقاله سعی شده است که در ابتدا مفاهیم مرتبط با سرمایه گذاری مستقیم خارجی و نقش شرکت های چندملیتی در فرآیند تبادلات آن بررسی شود. سپس نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در توسعه فن آوری و عوامل تأثیرگذار بر توسعه فن آوری از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی مورد بررسی قرار می گیرد. سپس با بررسی روند جذب سرمایه گذاری خارجی در کشور و مقایسه و تحلیل آن با توجه به مفاهیم بیان شده، اقدام به شناسایی برخی نقاط ضعف و کاستی های موجود در سیاست گذاری های سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای توسعه فن آوری می شود. در بخش نتیجه گیری نیز موارد و پیشنهاداتی برای توسعه فن آوری با استفاده از سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور بیان شده است.

بیان مسئله و ضرورت تحقیق

سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) می تواند نقش قابل ملاحظه ای در فرآیند توسعه کشورهای دریافت کننده آن بازی کند. علاوه بر جریان سرمایه به داخل کشور، FDI به عنوان ابزاری برای دستیابی به تکنولوژی، دانش، مهارت های مدیریتی و دیگر ورودی های مهم برای رسیدن به توسعه پایدار مورد استفاده قرار می گیرد. FDI باعث پیوستن کشورها به بازارها و شبکه های تولید و توزیع جهانی می شود و از این طریق می تواند باعث ارتقاء رقابت پذیری بین المللی شرکتها و همچنین بهبود عملکرد اقتصادی کشورها شود [1]. بسیاری از مزایای FDI در تأثیر آن بر توسعه تکنولوژی و ارتقاء توان رقابت پذیری شرکت های ملی در سطح بین المللی دیده می شود. در واقع یکی از اهداف اساسی FDI در مبادلات جهانی، دستیابی به تکنولوژی های کلیدی و استفاده از سرریز [Spill-Over] تکنولوژی است. توسعه تکنولوژی به عنوان یکی از اساسی ترین شرایط دستیابی به توسعه پایدار و بلندمدت کشورها، در تحولات جهانی از اهمیت اساسی برخوردار است. البته علاوه بر مزایای اشاره شده باید به این مورد نیز اشاره کرد که FDI دارای اثرات منفی نیز است که برخی از آنها عبارتند از: مسائل مرتبط با تراز پرداختها در اقتصاد کلان، هزینه های انتقال، سوءاستفاده شرکت های چند ملیتی از قدرت تجاری، موضوعات مرتبط با نیروی کار و اثرات محیطی. [1] عدم سیاست گذاری صحیح در زمینه جذب سرمایه گذاری خارجی منجر به این خواهد شد که اثرات منفی FDI بر اثرات مثبت آن پیشی بگیرد و نتایج مورد نظر برای توسعه بلندمدت حاصل نشود.

اهداف تحقیق

اهدافی که این مقاله دنبال می کند عبارتند از:

1. بررسی مفهوم FDI، مسائل اساسی مرتبط با جذب و بکارگیری آن در جهت توسعه تکنولوژی
2. تحلیل و بررسی روند جذب سرمایه گذاری خارجی در کشور و مشکلات مرتبط
3. ارائه ی راهکارهای مناسب

سئوال تحقیق

برای رسیدن به مرزهای توسعه و برداشتن گام‌های مطمئن در این مسیر چگونه از فاکتور سرمایه گذاری خارجی بهره ببریم؟ (به گونه ای که از اثرات منفی آن دوری جسته و از اثرات مثبت آن بهره مند گردیم).

فرضیه تحقیق

بهره گیری از سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صورتیکه زمینه های لازم فراهم شده باشد عامل مؤثری در توسعه کشورهای در حال توسعه می باشد.

توضیح روش تحقیق

روش تحقیق کتابخانه ای بوده و تا توجه مقالات منتشره در این خصوص نسبت به آماده کردن مقاله اقدام شده است.

ادبیات تحقیق

از FDI تعاریف متفاوتی از سوی نویسندگان و نهادهای مختلف به عمل آمده است برخی FDI را اینگونه تعریف می کنند: فرآیندی که در آن افراد حقوقی یک کشور (کشور منبع)، مالکیت تجهیزات یک شرکت از کشور دیگر را بدست می آورد، با این هدف که کنترل تولید، توزیع و دیگر فعالیت‌های آن شرکت را بدست آورد [2]. UNCTAD نیز در تعریفی از FDI آورده است که: " نوعی از سرمایه گذاری است که دربرگیرنده ارتباط بلندمدت بوده و منافع و کنترل پایداری را برای افراد حقوقی یک کشور (سرمایه گذار خارجی یا سازمان ها) در اقتصاد یک کشور دیگر ایجاد می کند [3]. با توجه به این تعاریف می توان دریافت که مهمترین ویژگی FDI در واژه ی کنترل و کنترل منافع نهفته است و در واقع این خصوصیت باعث تمایز میان FDI و سرمایه گذاری در سهام می شود. [2] بنابراین می توان گفت که مهمترین ویژگی FDI که آن را با دیگر انواع سرمایه گذاری بین المللی متفاوت می سازد، وجود عنصر کنترل بر تصمیمات و سیاست های مدیریتی است.

در سطح ملی نسبت به FDI تقسیمات متعددی به عمل آمده است و انواع مختلفی از آن دیده می شود. از دیدگاه سرمایه گذاری می توان FDI را به سه گروه تقسیم کرد FDI افقی، FDI عمودی و FDI ترکیبی [2]. در FDI افقی، سرمایه گذار با هدف توسعه افقی خود، محصولاتی که در کشور خود تولید می کند و یا مشابه آنها را، در یک کشور دیگر تولید می کند. در حالیکه در FDI عمودی، شرکت سرمایه گذار سعی می کند در مراحل از زنجیره ارزشی محصول وارد شود. اگر سرمایه گذار با هدف تامین و استفاده از منابع و مواد اولیه اقدام به سرمایه گذاری کند FDI عمودی رو به عقب (Backward) اتفاق افتاده است و اگر در راستای دستیابی به کانالهای توزیع و فروش و نزدیکی به مشتریان انجام شود FDI عمودی رو به جلو (Forward) اتفاق می افتد [2]. FDI ترکیبی، در واقع نوعی از FDI است که ترکیبی از FDI عمودی و افقی است. با نگاهی ساده به بازار بالقوه و منابع طبیعی و انسانی موجود در کشور خودمان، براحتی می توانیم به این موضوع پی ببریم که کشور ما برای سرمایه گذاران خارجی، از هر دو جهت افقی و عمودی جذاب است. یعنی سرمایه گذاران خارجی می توانند نگاهی ترکیبی به بازار ایران جهت انجام FDI داشته باشند. FDI سهم مهمی را در مبادلات جهانی داشته و کشورهای مختلف دنیا به آن به عنوان ابزاری مهم برای توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی خود نگاه می کنند. بر اساس آمار FDI نقش مهمی در مبادلات اقتصادی جهان برعهده دارد بررسی این آمارها مسائل بسیار مهمی را برای ما در مقایسه کشور خود با دیگر کشورها روشن می کند و به راحتی می توان دریافت که FDI چه نقش قابل ملاحظه ای در فرآیند مبادلات اقتصادی کشورها بازی می کند. بسیار جالب است که در آمار بیشترین میزان جذب FDI، کشورهای در حال توسعه رده های بالایی را به خود اختصاص داده اند [7]. بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی عقب مانده تر از کشور ما روند شتابانی در جذب سرمایه گذاری خارجی در پیش گرفته اند و از آن به عنوان ابزار مهمی برای توسعه اقتصادی خود استفاده می کنند. اغلب این کشورها با تغییر در قوانین جذب سرمایه گذاری خارجی خود شرایط مناسبتری برای جذب FDI به کشورهایشان ایجاد کرده اند و از مزایای آن در کوتاه مدت بهره مند شده اند.

شرکتهای چندملیتی و نقش آنها در مبادلات اقتصادی جهانی

شرکتهای چندملیتی⁵ (MNCs) عبارتند از سازمان های یکپارچه و یا غیریکپارچه ای که از سازمان های مادر و وابستگان خارجی آنها تشکیل شده اند. یک سازمان و یا شرکت مادر عبارتست از سازمانی که بر تجهیزات و یا منابع موجود در دیگر کشورها کنترل دارند و معمولاً این کنترل از طریق بدست آوردن سهم مشخصی از سهام آنها حاصل می شود. وابسته خارجی نیز آن دسته از شرکت هایی هستند که بصورت یکپارچه و یا غیریکپارچه با سازمان مادر بوده و سازمان های مادر در ساختار مدیریتی آنها قدرت و کنترل پایداری را دارا هستند [2]. با بررسی نقش شرکت های چندملیتی در فرآیند تبادلات اقتصادی جهانی، می توان دریافت که این شرکت ها نقش قابل ملاحظه ای در سرمایه گذاری های جهانی ایفا می کنند. بر اساس آمار سال 1999، ارزش خروجی های شرکت های چندملیتی 25 درصد کل خروجی جهانی را در بر می گرفت و از این میزان، یک سوم آن در کشورهای میزبان دریافت کننده ی FDI تولید می شده است. [3] در حال حاضر در حدود 64000 شرکت چندملیتی در جهان وجود دارد که چیزی در حدود 900000 شرکت وابسته خارجی دارند و حجم عمده ای از این شرکت های وابسته خارجی در کشورهای در حال توسعه قرار دارند. [8] تولید ناخالص وابستگان خارجی این شرکت ها در سال 2003 به 3.7 تریلیون دلار می رسد که در حدود 10% GNP جهان است و علاوه بر این، این شرکتها بالغ بر 30% صادرات جهانی را نیز در دست دارند. [8] فروش جهانی این شرکتها در سال 2003 به 18 تریلیون دلار می رسد و علاوه بر این MNC ها در حدود 54 میلیون انسان را در سراسر جهان در استخدام خود دارند [8]. با توجه به مطالب گفته شده، نقش شرکت های چندملیتی در فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای دریافت کننده FDI غیر قابل انکار است. البته این شرکت ها با توجه به قدرت اقتصادی که دارند و همچنین تمرکز آنها بر دستیابی به سود هرچه بیشتر در کشورهای میزبان، می توانند خطراتی را برای اقتصاد کشورها به همراه بیاورند. پیش بینی این خطرات و لحاظ سیاست های

⁵ Multinational Corporations

دقیق و هدفمند برای مقابله با آنها و استفاده مؤثر از این شرکت ها در فرآیند توسعه اقتصادی خود، می تواند اهمیت زیادی را در فرآیند سیاست گذاری FDI در کشور داشته باشد.

شرکت های چندملیتی به خاطر دارا بودن خصوصیات زیر نقشی حیاتی در توسعه تکنولوژی بین المللی بازی می کنند:

1- MNC ها معمولاً بر صنایع انحصاری خاصی تسلط دارند که در آن صنایع اهمیت بازاریابی و تکنولوژی دیده می شود.

2- محصولات MNC ها معمولاً جدید، پیشرفته و مورد توجه مشتریان می باشند و اغلب بر محصولاتی با درآمد بالا تأکید می کنند و از تکنیک های مدرن بازاریابی کمک می گیرند.

3- تکنیک ها و تکنولوژی های مورد استفاده برای تولید در MNC ها، اغلب پیشرفته ترین تکنولوژی ها در زمینه مورد فعالیت آنها است.

با توجه به این خصوصیات، کشورهای در حال توسعه برای پرکردن شکاف تکنولوژی خود و دستیابی به توسعه تکنولوژی ناگزیر از برقراری ارتباط با MNC ها هستند و بدون وجود این ارتباط فرآیند توسعه تکنولوژی این کشورها از سرعت مناسب برخوردار نخواهد بود.

FDI و نقش آن در توسعه تکنولوژی

در بعضی از کشورهای در حال توسعه و همچنین کشور ایران نوع نگاه به FDI رویکردی اقتصادی داشته و با انگیزه تأمین سرمایه و جریان سرمایه به داخل کشور انجام می پذیرد. حداقل به سه دلیل می توان گفت که FDI به عنوان تأمین سرمایه قابلیت لازم را ندارد [2]:

1. سرمایه گذاری مستقیم، به طور نسبی منبع گرانی برای جذب سرمایه خارجی است.

2. جریان سرمایه واقعی که توسط MNC ها ایجاد می شود، ممکن است که چندان زیاد نباشد (زیرا ممکن است که FDI از طریق وام گرفتن از کشور میزبان انجام شود). در حالیکه MNC ها می توانند با استفاده از قدرت

اقتصادی خود، بر بازار داخلی چیره شده و منافع شرکت های داخلی را تحت تاثیر قرار دهند.

3. سرمایه مورد استفاده توسط MNC ها ممکن است در قالب ماشین آلات و یا سرمایه های نامحسوس مانند دانش فنی وارد شود. به همین علت، FDI سرمایه اندک و گرانی را به کشور وارد می کند.

به همین علت است که بسیاری از کشورها با سیاست گذاری دقیق، سعی در استفاده مؤثر از FDI در توسعه ی تکنولوژی خود داشته اند. در واقع رویکرد استفاده از FDI به منظور سرریز تکنولوژی و بالا بردن توان تکنولوژی و R&D داخلی، به عنوان پیش فرضی اساسی در فرآیند سیاستگذاری FDI درآمده است. از دیدگاه مدیریت تکنولوژی می توان گفت که انتقال به دو شکل عمده انجام می پذیرد: Internalized و Externalized. در نوع Internalized، در واقع شرکت انتقال دهنده (سرمایه گذار)، تکنولوژی را در درون خود به کشور دیگری انتقال می دهد و در نوع Externalized، تکنولوژی در میان کشورهای مختلف انتقال می یابد (مانند لیسانس، پیمانکاری فرعی و ..) [9]. البته در انتخاب میان این دو نوع از انتقال تکنولوژی، کشورهای مختلف سیاست های متفاوتی اتخاذ کرده اند. کشوری مانند کره جنوبی، بیشتر بر ارتقاء توان R&D داخلی تأکید کرده است و به FDI به عنوان تنها ابزار ارتقای سطح تکنولوژی داخلی نگاه می کند. در مقابل کشورهایمانند فیلیپین و تایلند بیشتر بر انتقال تکنولوژی از طریق Internalized و جذب FDI تأکید داشته اند. تایوان تا حدی سیاست دوگانه ای را در پیش گرفته و هم با تأکید بر R&D داخلی و استفاده از روش های Externalized و هم با استفاده از روش های FDI و Internalized اقدام به توسعه تکنولوژی داخلی و توسعه صادرات کرده است [9]. به هر حال همه کشورهای در حال توسعه شرق آسیا به نوعی به روش های FDI و Internalized توجه کرده اند و این به علت وجود دلایل زیر بوده است [9].

1- برای دستیابی به تکنولوژی خارجی، کشورهای در حال توسعه ناچار به یادگیری مؤثر آن، تطبیق آن با شرایط فعلی خود و ارتقاء آن در طول زمان برای دستیابی به رقابت پذیری و سرآمدی جهانی تکنولوژی هستند.

2- نوع روش انتقال تکنولوژی در واقع نشا ندهنده میزان نیاز به تلا شهای داخلی در جهت توسعه تکنولوژی است .

3- تکیه بر انتقال تکنولوژی **Internalized** نیاز به تلا شهای مستقل داخلی را کاهش می دهد .این نوع انتقال، معمولاً دستیابی به سرآمدترین تکنولوژی های جهانی در شاخه های خاصی را امکان پذیر می کند و منجر به ورود به بازارهای جهانی می شود .بنابراین **FDI** روشی اثربخش برای انتقال و عملیاتی نمودن تکنولوژی های جدید در جهت دستیابی به رقابت پذیری در صادرات جهانی است.

4- انتقال تکنولوژی **Externalized** دربرگیرنده تلا ش های بیشتر و ریسک بیشتر از سوی کشور دریافت کننده بوده و ممکن است که اجازه دستیابی به ارزشمندترین تکنولوژی های جدید را به کشور دریافت کننده ندهد. بهره برداری از تکنولوژی های **Externalized** در بازارهای جهانی و استفاده از آنها برای صادرات معمولاً با مشکلات بیشتری همراه است زیرا نیازمند ایجاد قابلیت های بازاریابی صادراتی و ایجاد کانالهای توزیع جهانی است .اگر انتقال تکنولوژی، **Externalized** بصورت صحیح مدیریت نشود، سرمایه گذاری بسیار زیاد برای توسعه قابلیت های درونی می تواند منجر به عدم کارایی تکنولوژی و عدم دستیابی به رقابت پذیری بین المللی شود.

5- دلایل زیادی نیز برای توسعه قابلیت های درونی و استفاده از انتقال تکنولوژی **Externalized** وجود دارد .انتقال تکنولوژی **Externalized** نیازمند تلا شهای بیشتری برای دستیابی کامل به تکنولوژی بوده و معمولاً منافع یادگیری بیشتری را به همراه دارد. برای دستیابی به تنوع و عمق صنعتی لازم است که کشورها به فعالیت های تکنولوژیکی پیشرفته تری دست بزنند و وارد مراحل مختلف طراحی، توسعه و تحقیقات شوند .در حالیکه انتقال تکنولوژی **Internalized**، ممکن است که منجر به دستیابی به این چنین قابلیت هایی نشود زیرا معمولاً شرکت های چندملیتی فعالیت های تکنولوژیکی پیشرفته خود

را در چند کشور پیشرفته صنعتی متمرکز می کنند و این قابلیت ها را به راحتی به کشورهای در حال توسعه انتقال نمی دهند.

استراتژی های توسعه تکنولوژی کشورها با توجه به قوانین بازی بین المللی تغییر می کند و با توجه به موقعیت های متفاوت، راه های متفاوتی از سوی کشورها اتخاذ می شود. استفاده دولت ها از مداخلاتی مانند حمایت، سوبسید، قوانین محلی و ایجاد محدودیت برای FDI برای توسعه تکنولوژی، در طول زمان تغییر می کند. تغییر در فضای جهانی منجر به بالارفتن ریسک و هزینه های انتقال تکنولوژی Externalized شده است. در همین حال، کشورهایی که بر روش های Internalized تکیه کرده اند، به این نتیجه رسیدند که نیازمند توسعه توانمندی های داخلی بیشتری بوده تا بتوانند در رقابت پذیری صادرات جهانی پایدار بمانند. توجه صرف و یکطرفه به هر کدام از روش های Internalized و Externalized در بلندمدت می تواند منجر به کاهش توان تکنولوژیکی کشور شود و استفاده از رویکردهای متفاوت در شرایط متفاوت، تضمین کننده حرکت پویا و اثربخش کشور به سوی توسعه تکنولوژی خواهد بود.

در واقع می توان گفت که FDI برای دستیابی به تکنولوژی های روز جهان و دستیابی به سرمایه گذاری تکنولوژیکی {Technological Mastery} بیشتر کاربرد دارد، در حالیکه روش های Externalized برای توسعه قابلیت های درونی و دستیابی به تعمیق تکنولوژیکی {Technological Deepening} مورد استفاده قرار می گیرند [9].

معمولاً هدف اصلی در استفاده از FDI برای توسعه تکنولوژی، دستیابی به انتشار تکنولوژی و بهره برداری از سرریز تکنولوژی است. انتشار تکنولوژی از کانال های مختلفی اتفاق می افتد، مانند: واردات محصولات با تکنولوژی سطح بالا، تطبیق با تکنولوژی خارجی و بهره برداری از سرمایه های انسانی از طریق تبادلات بین المللی. امروزه جذب FDI از طریق شرکت های چندملیتی، به عنوان یکی از اصلی ترین کانالها در جهت دستیابی به تکنولوژی های پیشرفته برای کشورهای در حال توسعه است. دانش انتقال داده شده توسط MNCها به شرکتهای وابسته خود در کشورهای در حال

توسعه، ممکن است از طرق مختلف به کشور میزبان نشت کند و این مفهوم تحت عنوان اثر سرریزی تکنولوژی FDI مطرح است. کانا لهای متفاوتی برای سرریز تکنولوژی شناخته شده است که بعضی از آنها عبارتند از:

- گردش نیروی کار میان MNCها و شرکت های محلی
- پشتیبانی های فنی به تأمین کنندگان و مشتریان
- اثرات نمایشی بر شرکتهای محلی در مباحثی مانند انتخاب نوع تکنولوژی، رفتار صادراتی و تجربیات مدیریتی [2]

البته باید این موضوع را خاطرنشان کرد که انتشار تکنولوژی و سرریز تکنولوژی به خودی خود اتفاق نمی افتد و به میزان توانایی کشورها در بهره برداری از این منابع بستگی دارد. باید این موضوع را در نظر داشت که میزان شکاف تکنولوژیک موجود میان انتقال دهنده و انتقال گیرنده و میزان رقابت موجود در بازار، نقش بسزایی در میزان سرریز تکنولوژی دارند. [2]

شکاف تکنولوژیک بسیار کم، منجر به این خواهد شد که دانش کمتری سرریز شود و در همان حال اگر شکاف تکنولوژیک بسیار زیاد باشد، انگیزه لازم را از شرکتهای داخلی برای بهره برداری از سرریز تکنولوژی می گیرد، پس می توان گفت که شکاف تکنولوژیک باید آنقدر زیاد باشد که باعث سرریز شود ولی نه آنقدر زیاد که انگیزه لازم را برای سرریز بگیرد. از طرف دیگر هرچقدر بازار، رقابت بیشتری داشته باشد، انگیزه و میل شرکتهای داخلی برای بهره برداری از سرریز تکنولوژی بیشتر خواهد بود.

بررسی جریان سرمایه خارجی به داخل کشور

در این بخش از مقاله نگاهی اجمالی به روند جذب سرمایه گذاری خارجی در کشور خواهیم کرد و آنها را از دیدگاه توسعه تکنولوژی بررسی می کنیم . با نگاهی به آمار، در می یابیم که کشور ما در میان کشورهای جهان رده بسیار پایینی در جذب سرمایه گذاری خارجی به خود اختصاص می دهد .

UNCTAD بر اساس 2 شاخص، میزان پتانسیل جذب FDI و میزان عملکرد جذب FDI در کشورها را به 4 دسته عمده تقسیم می کند که عبارتند از [3 تا 8] .

- کشورهای پیشرو: که دارای پتانسیل و عملکرد بالا هستند.
 - کشورهای بالاتر از پتانسیل: که دارای عملکرد بالا و پتانسیل کم هستند.
 - کشورهای پایین تر از پتانسیل: که دارای پتانسیل بالا و عملکرد پایین هستند.
 - کشورهای عقب مانده: که دارای پتانسیل و عملکرد ضعیف هستند.
- براساس این رده بندی و شاخص هایی که برای سنجش آن در نظر گرفته شده است، ایران در دسته سوم قرار می گیرد. یعنی عملکردی پایین تر از پتانسیل خود دارد.
- توجه به جایگاه کشور در بین کشورها در زمینه جذب FDI بیان کننده این موضوع می باشد که حرکت های کنونی و روند سیاست گذار یهای کنونی کشور در زمینه جذب FDI چندان اثربخش نبوده و با وجود ایجاد یکسری تغییرات ساختاری در قوانین جذب سرمایه گذاری خارجی، هنوز راه زیادی تا بهره گیری مناسب از همه توانمندی های موجود برای جذب FDI وجود دارد. اغلب کشورهای جهان با ایجاد تغییرات اساسی در قوانین جذب سرمایه گذاری خارجی خود، شرایط مناسبتری را برای جذب FDI ایجاد کرده اند.
- باید به این نکته اشاره کرد که بررسی دقیق نوع سرمایه های جذب شده، نشان دهنده این موضوع است که سیاست گذاری های موجود، کفایت لازم را برای توسعه تکنولوژی از طریق FDI در کشور ندارند.
- سرمایه گذاری خارجی بایستی موجب رشد اقتصادی، ارتقاء فناوری، ارتقاء کیفیت تولیدات، افزایش فرصت های شغلی و افزایش صادرات شود [10]
- تکنولوژی ها را در 3 دسته کلی تقسیم می کنند:

1. تکنولوژی سطح بالا (HT)
2. تکنولوژی میانه (MT)
3. تکنولوژی سطح پایین (LT)

باید سیاست گذاری لازم برای اولویت بندی و جذب تکنولوژی های دارای ارزش و سطح بالا که باعث توسعه تکنولوژی کشور می شوند به طور مناسب انجام شوند.

استفاده از FDI و روشهای، **Internalized** معمولاً روشی برای دستیابی به سرآمدی تکنولوژی بویژه در صنایع جدید و پیچیده است و به همین جهت، FDI بیشتر در جهت دستیابی به تکنولوژی های سطح بالا (HT) استفاده می شود.

اطلاعات نشان می دهند که هیچکدام از تکنولوژی های جذب شده در کشور در رده HT قرار نمی گیرند و این موضوع نشان دهنده کمبود سیاست های مناسب و کارا برای جذب تکنولوژی های سطح بالا و توسعه توانمندی های تکنولوژیک کشور است. از طرف دیگر انتشار تکنولوژی و سرریز تکنولوژی از اهداف اساسی استفاده از FDI در توسعه تکنولوژی کشورها است. برای دستیابی به سرریز تکنولوژی وجود شکاف تکنولوژیک مناسب و نسبتاً زیاد که انگیزه لازم را برای شرکت های داخلی در جهت بهره برداری از این سرریز ایجاد کند، لازم و ضروری است.

مضاف بر این با توجه به اینکه سرریز تکنولوژی بیشتر در بازارهای رقابتی اتفاق می افتد و وجود بازار رقابتی برای ایجاد سرریز تکنولوژی اهمیت زیادی دارد، با توجه به این موضوع که لازمه ایجاد سرریز تکنولوژی وجود بازار رقابتی و وجود انگیزه در شرکت های داخلی برای بهره برداری از آن است، می توان گفت که عملاً از این منظر نیز شرایط لازم برای توسعه تکنولوژی از طریق این نوع سرمایه گذار یها، ایجاد نشده است.

در مجموع با توجه به مباحث مطرح شده می توان گفت که با توجه به روند کنونی، باید شرایط لازم برای توسعه تکنولوژی کشور از طریق FDI به طور کامل ایجاد شود و هدایت سرمایه گذاری های خارجی به سوی تکنولوژی های سطح بالا باشد، همچنین باید تلاش برای بکارگیری FDI در جهت ایجاد سرریز تکنولوژی و ارتقاء توانمندی های داخلی بیشتر شود.

استنتاج و پیشنهادات

این مقاله سعی داشت که با بررسی مفاهیم مرتبط با FDI و نقش آن در توسعه تکنولوژی کشورها، به نقد سیاست‌های موجود بپردازد و راهکارهایی ارائه دهد. در نتیجه با بررسی مطالب ارائه شده در این مقاله می‌توان به موارد زیر برای استفاده در سیاست‌گذاری‌های کلان FDI در جهت توسعه تکنولوژی کشور اشاره کرد:

1. با توجه به بازار بالقوه کشور در بسیاری از حوزه‌های HT کشور ما از پتانسیل لازم برای جذب FDI عمودی رو به جلو برخوردار است. همچنین بخاطر وجود منابع طبیعی و اولیه بسیار زیاد در کشور، از نظر سرمایه‌گذاران خارجی جذابیت لازم برای انجام FDI عمودی رو به عقب را نیز دارد. از طرف دیگر به علت نیروی کار ارزان قیمت و منابع طبیعی و اولیه ارزان و فراوان می‌توان کشور را برای جذب FDI افقی نیز جذاب دانست. در نتیجه می‌توان گفت که سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند نگاهی ترکیبی برای ورود به کشور و سرمایه‌گذاری داشته باشند و این موضوع فقط نیازمند ایجاد تسهیلات لازم و از بین بردن موانع موجود است.
2. از آنجا که شرکت‌های چندملیتی نقشی حیاتی در فرآیند تبادلات جهانی و توسعه تکنولوژی کشورهای در حال توسعه دارند، لازم است که شرایط لازم را برای جذب آنها و استفاده از سرمایه‌گذارانی که آنها در کشور به عمل آورد. شرکت‌های چندملیتی بزرگترین منبع دستیابی کشور به تکنولوژی‌های سطح بالا (HT) و ارتقاء توانمندی‌های تکنولوژیک کشور هستند.
3. نگاه صرف اقتصادی به FDI و جریان سرمایه حاصل از آن، اشتباه بوده و همانطور که در مباحث مطرح شده در این مقاله گفته شد FDI نمی‌تواند روش مناسبی برای جریان سرمایه باشد، بلکه اغلب کشورها به منافع بلندمدت حاصل از آن و توسعه تکنولوژی از طریق توجه می‌کنند.
4. تعیین اولویت حوزه‌های انتقال تکنولوژی در استفاده از روش‌های (FDI) Internalized و Externalized اهمیت زیادی دارد. همانطور که گفته شد، روش‌های Internalized بیشتر برای دستیابی به تکنولوژی‌های سطح

بالا و سرآمدی تکنولوژی بوده و رو شهای Externalized برای دستیابی به تعمیق تکنولوژی و ایجاد قابلیت های درونی استفاده می شوند. با توجه به این موضوع، باید گفت که ایجاد یک ساختار منعطف سیاستگذاری در جهت استفاده مؤثر از هر دو این رو شها و توسعه بلندمدت تکنولوژی لازم است.

5. توجه به انتشار تکنولوژی و سرریز تکنولوژی از مسائل بسیار مهم در بهره برداری مؤثر از FDI در توسعه تکنولوژی است.

6. وجود شکاف تکنولوژیک مناسب و نسبتاً زیاد میان سرمایه گذار و شرکتهای داخلی از یک طرف و همچنین وجود بازار رقابتی در حوزه مربوط به سرمایه گذاری از طرف دیگر منجر به ایجاد سرریز تکنولوژی و توسعه توانمند یهای داخلی از طریق FDI می شود. در نتیجه لحاظ نمودن این موارد مهم در سیاست گذار یهای جذب FDI اهمیت زیادی دارد. روند کنونی سیاست گذار ی های کلان جذب سرمایه گذاری خارجی در کشور، نشان دهنده این موضوع است که سیاست گذار یها در زمینه استفاده از FDI برای سرریز تکنولوژی و توسعه توانمندی های داخلی دارای کاستی های زیادی است. از طرف دیگر، اولویت بندی مناسبی برای تعیین حوزه های اولویت دار جذب سرمایه گذاری خارجی انجام نشده است و در نتیجه استفاده مؤثر از FDI در جهت کسب تکنولوژی های سطح بالا و دستیابی به سرآمدی تکنولوژی به طور مناسب انجام نشده است. افزایش پتانسیل کشور برای جذب FDI و تلاش برای بهره گیری از این پتانسیل ها برای جذب هرچه بیشتر FDI و هدایت این سرمایه ها به سمت توسعه تکنولوژی در کشور می تواند رسالت مهمی باشد که برعهده مسئولان و سیاست گذاران اقتصادی کشور است.

منابع و مأخذ

1. UNCTAD, The Development Dimension of FDI: Policy and Rule-Making Perspective, United Nation Conference on Trade and Development Publications, 2003.
2. Moosa I.A., Foreign Direct Investment: Theory, Evidence and Practice, London: Palgarve, 2002.
3. UNCTAD, World Investment Report, United Nation Conference on Trade and Development Publications, 1999.
4. UNCTAD, World Investment Report, United Nation Conference on Trade and Development Publications, 2000.
5. UNCTAD, World Investment Report, United Nation Conference on Trade and Development Publications, 2001.
6. UNCTAD, World Investment Report, United Nation Conference on Trade and Development Publications, 2002.
7. UNCTAD, World Investment Report, United Nation Conference on Trade and Development Publications, 2003.
8. UNCTAD, World Investment Report, United Nation Conference on Trade and Development Publications, 2004.
9. Lall S., Urata S., Competitiveness, FDI and Technological Activity in East Asia, Edward Elgar Pub, 2003.
10. Industrial Development Report 2005 Capability building for catching-up Sauvart Karl P. Foreign direct investment and public policy Fall 2006